

جنبش عدم تعهد و کشورهای در حال توسعه

فرستی طلایی برای تحرک و تشکل جهان سوم



حسین نصیری

در دهه ۱۹۹۰، در بنایه‌ها، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و به ویژه تبلیغات سیاسی از «نظم نو» سخن به میان آمد که پس از مدتی، به انجام نارسیده، فرو نشست. توسعه پایدار به دلیل ظرفیت‌های گسترده، موضوعات متنوع و قابلیت‌های نهفته در آن و به ویژه به دلیل اقبالی که در سراسر جهان نسبت به آرمان‌ها، اهداف و برنامه‌های «پایداری» صورت گرفته است، می‌تواند مبنای نوینی برای «نظم در جهان» قرار گیرد. تصور بر این است که جهان آینده در دامنه مفاهیمی این چنین شکل خواهد گرفت. دگرگونی اوان، حقوق و بقای او، برجستگی بیشتری خواهد داشت و اینکه براساس شواهد، دستور کار جهان در پرتو همین تحولات و دگرگونی‌ها بازنویسی خواهد شد.

ملت‌ها، دولت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و محافل مربوط به جهان سوم برای جبران حداقل بخشی از نابرابری‌ها و ستم‌هایی که در نتیجه سلطه نظام ناعادله و دیرپای جهان بر آنان روارفت، فرصتی تاریخی یافته‌اند. «نظم نوین جهانی» در مرحله شکل‌گیری است. صورت‌بندی‌های جهانی، حتی بدون حضور کشورهای جهان سوم نیز ترسیم خواهد شد. مسأله، تأکیدی دوباره بر ضرورت ایجاد تحرکی همه‌جانبه در این سوی جهان، برای حضوری موثر و برانزده جمعیت، منابع و ثروت‌های عظیم مادی و معنوی جهان سوم است. این نظام، در دوران کنونی، درزدره و جز به جز اما، پیوسته و در سطحی گسترده و موضوعاتی بسیار متنوع، در حال شکل‌گیری است. مشارکت فعال ملت‌ها و جوامع جهان سوم در این مرحله و در دفاع از منافع، منزلت، موقعیت و مسوولیت‌های جهانی خود،اهمیت، حساسیت و ضرورتی به مراتب خفیلتر از گذشته دارد. سهم و نقش این کشورها در آینده،هم‌اکنون در حال ترسیم و تثبیت است. آینده نشان خواهد داد که این درک، تحرک، مشارکت و اثرگذاری، تا چه اندازه عمیق، گسترده و با تدبیر به انجام رسیده‌اند.

واقعیت این است که هرچند تحرک و پویایی هر یک از کشورهای «در حال توسعه» در عرصه‌های نوین اندیشه و عمل در جهان، بسته به شرایط، ظرفیت،قابلیت ودرایت،ها، موثر خواهد بود لیکن، این جوامع، به صورت جداگانه، در «درون» گرفتار نیازهای وسیع و ناکارآمدی‌های خود هستند و در «بیرون» اسیر محدودیت‌ها و فشارهای خارجی. بنابراین، اثرگذاری واقعی زمانی تحقق خواهد یافت که بتوان در چارچوبی واقع‌بینانه مشارکت جمعی این کشور‌ها را سامان بخشید.

الف. تحرک در عرصه‌های داخلی

کشورهای در حال توسعه، علاوه بر سازماندهی و تجهیز خود به عنوان یک «دولت- ملت» و نیز یک عضو صاحب رای در مجامع بین‌المللی، لازم است با تنظیم مشارکت‌های گروهی پیرامون اهداف مشترک و برنامه مشخص، فعالیت‌های خود را سامان و قوام بخشند. بدون این همکاری‌ها، تصور کسب و حفظ جایگاهی مطلوب در جهان دشوار خواهد بود.

بدیهی است کشورهای جهان سوم در عرصه توسعه پایدار، با وجود همه قابلیت، ظرفیت و ویژگی‌های نهفته در آن قادر نخواهند بود، با حفظ تمامی قالب‌های کهنه و ناسامانی‌های داخلی به اهداف خود دست یابند.

توسعه پایدار عرصه بسیار پیچیده و فراگیری است از، حضور و تأثیر متقابل مولفه‌های متنوع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی و نظایر آنکه با شتاب، عرصه‌های مختلف جهانی را فتح می‌کند بنابراین تصور بر کنار ماندن از تبعات و بازتاب‌های آن نیز منطقی نخواهد بود.

در این چشم‌انداز نوین، «انسان» معیار است؛ این انسان، حقوقی دارد که بخشی از آن تبیین شده است و بخشی نیز در جریان فرآیند نوین «پایداری» شکل خواهد گرفت (همچون هر موضوع دیگری، آنان که در عرصه شکل‌گیری حیرانده و فعال، مهر خود را بر آن

حک خواهند کرد). نمی‌توان این انسان را در «داخل» در بند استنبیداد اسیر کرد و در «خارج»، پا بر آستان توسعه پایدار گذاشت. این عرصه، بدون مشارکت فعال، آگاهانه و تعیین‌کننده انسان‌ها تحقق نخواهد یافت.

در عرصه اقتصاد نیز همین چشم‌انداز قابل مشاهده است. کشورهای جهان سوم در عرصه مسایل داخلی نیز، با دشواری‌های بسیار روبه‌رو هستند. اقتصاد نامتوازن جنوب، شرایط ناعادله‌انه اعمال شده از سوی نظام مسلط جهانی را ناعادله‌تر کرده است. با توجه به درآمد سرانه به مراتب پایین‌تر کشورهای جهان سوم، نتخبان محلی که در ارتباط با بازرگانان و طرف‌های خارجی هستند، برای برخورداری از یک زندگی قابل مقایسه با سطح زندگی هم‌تایان خود در اروپا و آمریکا (که غالباً بر آن اصرار دارند) صاحب‌نظران، این اهمیت در درآمد عمومی را، به ضرر سهم کارگران، کشاورزان و اصولاً مردم به خود اختصاص می‌دهند. نتیجه این فرآیند به باور «ژاکس» در فرمول زیر (ژاکس، ۳۷۳:۳۷۰) انعکاس پیدا می‌کند: «رشد صنایع مربوط به اقلیت مرفه-اشباع- رکود- اعطای وام و امتیازات- تشدید تورم» این روندی است که بارها پیش آمده است و ظاهراً قرار است این تجربه، مرتباً تکرار شود.

مردم در جهان سوم، ناگزیر از تحمل رنج مضاعفی هستند، رنجی که از چپاول بیگانه‌گان می‌برند و محنتی که از استثمار نخبگان محدود بومی می‌کشند

«فرسایش شدید خاک» در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، خطرناک و در برخی مناطق از مرز فاجعه نیز گذشته است. «سازمان خواربار و کشاورزی جهانی» (فائو) این صایعه را «بحران خاموش» نام نهاده است. این بحران در کنار جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی، «آلودگی‌های آب‌وهوا، اتلاف شدید منابع تجدیدنشدنی و موارد متعدد دیگر، مجموعاً نابودی و تخریب تدریجی بسیاری از سرمایه‌های طبیعی جنوب را موجب شده‌اند. نسل آینده، به طور مشخص، بهای بسیار سنگینی را برای توسعه پایدار کنونی خواهد پرداخت، منافی که منحصراً به وسیله اقلیتی کوچک از نخبگان، مورد استفاده مسرقانه قرار می‌گیرند.

ناقضه پیداست که بدون تلاش برای ساختن محیطی پایدار در داخل، تکاپو برای رسیدن به پایداری در جهان میسر نخواهد بود. توسعه پایدار در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، امنیتی و غیره بلا گشوده است. در این مفهوم، داخل و خارج جوامع، از جریانی یگانه تبعیت می‌کنند و اصولاً به دلیل قدرت رسانه‌ها و جریان پر قدرت «جهانی شدن»، ازوا حتی اگر مطلوب هم باشد (که نیست) میسر نخواهد بود.

«سیاست خارجی» در زمانه ما، بیشتر از هر دوران دیگر، ادامه منطقی «سیاست داخلی» کشورهاست. فرآیندی که به جهت سرعت و فراگیری تحولات، در قرن بیست‌ویکم، محققاً قوت، عمق و دامنه بیشتری خواهد یافت. بنابراین نمی‌توان با خفقان، نابرابری و بی‌قانونی در داخل روبه‌رو بود و استقلال، آزادی، برابری و قانونمندی را در جهان انتظار داشت.

شرایط نابسامان و غیردموکراتیک داخلی بسیاری از کشورهای جهان سوم، عمده‌ترین ضعف آنها در رویارویی با صاحبان اقتدار، سرمایه و تکنولوژی در جهان است. فارغ از تمامی تبعات و نتایج ناشی از ضعف‌های داخلی که مسلماً چشم‌فروستن بر آنها ممکن نیست، این ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها، دستمایه سهم‌خواهی‌های بیشتر قدرت‌های خارجی خواهند بود.

عرصه پایداری بر نقش فعال انسان استوار و متمرکز است و هم اوست که با حضور آگاهانه خود در صحنه، به تمشیت امور می‌پردازد. به همین دلیل، مشارکت مردم در صحنه‌های مختلف جوامع و حضور دموکراتیک آنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری کشورها، در توسعه پایدار اصلی است که پیوسته بر منزلت و اهمیت آن افزوده شده است. دولت‌های جهان سوم، بدون باور بر حضور و مشارکت آگاهانه مردم در عرصه‌های مختلف زندگی و زمینه‌سازی برای بالندگی، این تحرک گرفتار و سرگشته در تناقض‌های داخلی و منفعل در برابر داعیه‌های کشورهای صنعتی خواهند بود. بدون این «سرمایه» برآمده از نقش آفرینی آگاهانه، موثر و قانونمند مردم در «درون» و در عرصه

فراملی و بین‌المللی («بیرون») جز کسب بخشی ناچیز از حقوق و مطالبات بزرگ ملت‌ها، نتیجه دیگری در انتظار نخواهد بود. طرفه آنکه به دلیل گستره و فرامرزی بودن شبکه‌ها و قدرت شگفت‌انگیز امواج، بزرگ جلوه دادن یافته‌های حقیر در داخل نیز چندان کارساز نخواهد بود، چاره آن است که کار از اساس اصلاح شود.

از سوی دیگر، در کنار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، «گروه‌های داوطلب مردمی» و «سازمان‌های غیردولتی»، در عرصه‌های جهانی جایگاه و منزلتی ویژه یافته‌اند و به اعتبار تجربه سال‌های اخیر و نیز پیش‌بینی صاحب‌نظران، این اهمیت در آینده به مراتب بیشتر خواهد بود. به بیان دیگر، در دنیای آینده، سازمان‌های غیردولتی در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، به ویژه در عرصه نظارت، به دلیل دسترسی‌های وسیع اطلاعاتی نقشی بی‌سابقه خواهند داشت. اصولاً یکی از نشانه‌های برجسته شکل‌گیری مناسبات نوین در دنیای در پیش و تغییر چهره جهان به این جریان منحول نسبت داده شده است. کشورهای جهان سوم بدون تحرک‌بخشیدن به این جریان‌های مردمی عملاً در مقابل کشورهای شمال ناگزیر از تسلیم و تمکین خواهند بود، خاصه آن‌که از هم‌کنون، زمینه‌های برقراری ارتباطات وسیع نهادهای بسیار متنوع غیردولتی، از طریق بزرگراه‌های اطلاعاتی آغاز شده است. شبکه‌ای تا این حد گسترده، بی‌تردید اثرات وسیع و عمیقی را در داخل کشورها و در جهان خواهد داشت.

بدیهی است کنترل موثر ارتباطات این شبکه به جهت گستردگی اصولاً امکان‌پذیر نخواهد

بود در مقابل، دولت‌های جهان سوم با بسترسازی و فراهم‌آوردن زمینه‌های تحرک و پویایی و تجهیز این نهادهای مردمی قادرند، در مسیر بالندگی جوامع خود و اثرگذاری بر تصمیمات بین‌المللی، در عین دفاع از علایق و منافع ملت‌های خویش، از ظرفیت‌های این عرصه نوین به صورت موثر سود جویند.

ب. تحرک در عرصه بین‌المللی

«پایداری» چشم‌انداز جامع‌نگر و فراگیری است که تمامی عرصه‌ها و مباحث بین‌المللی را در اشکال مختلف و به فراخور تحت تأثیر قرار داده و توسعه جریانی است که با قالب‌ریزی در رهیافت‌های نظری (و ایدئولوژیک) مختلف قرار بود کشورهای جهان سوم را از توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندگی، به سمرنزل توسعه‌یافتگی رهنمون شوند.

توسعه پایدار مفهومی است ترکیبی که ابعادی جهانی‌به‌مسأله‌بخشیده است. چشم‌اندازی است که تمام جهان را به صورت یکپارچه و در کنار هم، مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد.

با توجه به روند شتابنده

جهانی‌شدن، برکنار ماندن و انزوای کشورهای جهان سوم نه مفید است و نه ممکن. منافع این جوامع به علت نگاه تنگ‌نظرانه و اصرار شمال بر منافع خود، به ویژه قدرت ابرازی آنها، تنها در سایه تحرک جمعی و یکپارچه تحصیل خواهد شد.

جنوب صرفاً در صورت بسیج تمامی امکانات خود و تدبیری جمعی و اتخاذ مواضع هماهنگ و مستند در این میدان، توفیق به دست خواهد آورد.

کشورهای در حال توسعه، به سازمان‌ها و تشکیلاتی نیازمندند تا در چارچوب آن‌ها در کنار هم، برنامه‌ها و مواضع و تحرک خود را هماهنگ کنند و بدیهی است که در این ارتباط، تمامی سازمان‌های منطقه‌ای از موضوعی، نظیر «جنبش عدم تعهد»، «گروه ۷۷»، «کنفرانس

نگاه

اسلامی»، «سازمان وحدت آفریقا» و نظایر آنها، می‌توانند به فراخور با پذیرش اصلاحاتی در برنامه‌ها و مواضع و رهاکردن خمودگی، در تحرکی جدید شاداب به کار گرفته شوند.

حرکت‌های فردی کشورها در تمامی عرصه‌ها، به تحقیق، کارساز است اما، تحرک جمعی این کشورها علاوه بر افزایش توان «چانه‌زنی» مجموعه، ظرفیت‌های گسترده

و نوینی را در این زمینه خلق خواهد کرد.

جنبش عدم تعهد در این میان به دلیل گستردگی، ظرفیت و تجارت گذشته خود، قابلیت و شأنی ویژه دارد، اما توفیق این جنبش نیز تنها در سایه دگرگونی‌های وسیع در اهداف، ساختار و برنامه‌ها میسر خواهد بود. این جنبش، در صورت پذیرش «دستور کار نوین» و به‌خصوص اگر این حرکت با اراده جمعی همراه باشد، بی‌تردید در عرصه توسعه پایدار قلابی بی‌رقیب خواهد بود. در سال ۱۹۵۵ با «کنفرانس باندونگ»، جریانی پر قدرت در جهان سوم شکل گرفت که بسیاری از آرمان‌ها و آرزوهای ملت‌های تحت ستم را با خود حمل می‌کرد. گفته شد که این تحول «سرازار عصر جهان سوم‌گرایی ظفرمند» خواهد بود و «فرانتس فانون» در بیانی پرشور آن را «غازی نو در تاریخ پیدایش نوع انسان» تعریف کرد. ابتکار باندونگ در تدامو خود، جنبش عدم تعهد را خلق کرد که از دهه ۱۹۶۰ به عنوان اصلی‌ترین جریان منافع منافع جهان سوم در صحنه جهانی حضور یافت. این جنبش اگر چه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ به دلیل تحرک خود در پارامی از مسائل جهانی نقش آفرین بود، ولی به دلیل پراکندگی تنوع خواست‌ها، ناهماهنگی مواضع اعضا و به ویژه عدم انطباق با تحولات سریع جهانی، اینک کمرمق و ناکارآمد و نه مناسبات جهانی کم‌اثر شده است.

گردهمایی‌های جنبش عدم تعهد که زمانی، حداقل عرصه نقطه‌های آتشین بود، اکنون کم‌فروغ و حتی خاموش به‌نظر می‌رسد. برخی از صاحب‌نظران به این نتیجه رسیده‌اند که در پرتو تحولات جهانی، به‌ویژه در دهه ۱۹۹۰ و خصوصاً فرو ریختن «دیوار برلین» (و واقع‌فروریزی ابرقدرت شوروی) جنبش، موضوعیت خود را از دست داده، بدون پویایی و اصولاً انگیزه به پایان راه رسیده است اما آیا این ادعا صحت دارد؟

عدم تعهد، به عنوان جنبشی فراگیر، همراه با تمامی سازمان‌ها و تشکل‌های جهان سومی، نظیر گروه ۷۷، گروه ۸ و غیره می‌تواند در گستره تحولات جدید، با تعاریف، انگیزه‌ها، اهداف و ماموریت‌های نو، در ساختار نوین، تحرک دوباره پیدا کند.

تصور می‌شود که مهم‌ترین علت ناکارآمدی جنبش در حال حاضر عبارت از آن است که در پس تحولات جهانی، از انگیزه و پویایی «تخلیه» شده است. این جنبش فراگیر، به همراه تشکل‌های مرتبط با آن می‌تواند در گستره مناظره توسعه پایدار حیاتی دوباره را آغاز کند.



جمعی کشورهای عضو، در مقابل نگاه تبعیض‌آمیز و معیارهای دوگانه شمال، نه‌فقط در سیاست که در اقتصاد، فرهنگ، محیط‌زیست، امنیت و جز آن، با خلق انگیزه‌های جدید، جهان سوم را به تحرک و تکاپو وادارد. طرفه آنکه اداره ماموریت‌های متنوع توسعه پایدار، ظرفیت‌های گسترده‌ای را طلب می‌کند که در شرایط کنونی تنها در جنبش عدم‌تعهد وجود دارد و از این نظر، مجموعه و چارچوب غیرمتعهد‌ها، بی‌نظیر و بی‌رقیب است. بدیهی است در صورت کندی و سستی، کشورهای جهان سوم، موقعیتی تاریخی برای احیا و تحرک این جنبش، در عرصه تحولات اجتماعی-فکری نوین و در واقع فرصتی ارزنده در تنظیم منافع جمعی خود را در دوران «گذار جهانی» از دست خواهند داد.

ناگفته پیداست که بخش قابل ملاحظه‌ای از رکود و انفعال کنونی جنبش، ناشی از ابهام و ابهام در اهداف و ناکارآمدی برنامه‌های آن در سال‌های اخیر بوده که مالا، بی‌انگیزگی‌ها را موجب شده است.

در صورت دمیده شدن روحی جدید در کالبد و اثبات اثربخشی و مفید بودن این تشکل در عرصه تحولات نوین جهانی، بی‌تردید حضور و انسجام کشورهای عضو در آن جلوه‌ای متفاوت خواهد داشت. از چشم‌اندازی دیگر، این جنبش در صورت عدم بازنگری در اهداف و اصلاح ساختار و نوین‌سازی برنامه‌ها، در مسیر افزایش بی‌ثفاوتی‌های اعضا، به‌تدریج منفعل، افسرده و نهایتاً بلاموضوع خواهد شد.

«آونور»، رییس گروه ۷۷، در اواخر دهه ۱۹۸۰ گفت: «مشارکت در حفظ محیط‌زیست و منابع جهانی مشروط به استقرار عدالت اقتصادی بیشتر برای کشورهای در حال توسعه است. در نبود آن این کشورها نه توان و نه علاقه‌ای به مشارکت در تلاش کشورهای صنعتی برای حفظ کره زمین خواهند داشت.»

آونور در واقع با این نظر یکی از اصلی‌ترین محورهای هماهنگی کشورهای در حال توسعه و در نتیجه یکی از مواضع انسجام‌دهنده کشورهای جهان سوم را بیان می‌کرد. در این موضع از سویی علایق مشروط این کشورها بیان و از طرف دیگر، تهدیدی واقع‌بینانه مطرح می‌شد.اساس بحث بر این حقیقت استوار است، هنگامی که در این کشورها نیازهای اولیه مردم هنوز تأمین نشده است، انتظار سرمایه‌گذاری سنگین در جلوگیری از آلودگی‌ها غیرواقعی خواهد بود. و نیز واقع‌بینانه نخواهد بود اگر از مردم فقیر انتظار داشته باشیم در حالی که برای حفظ بقا در تکاپو هستند، منابع خود را برای آینده نگاه دارند. این همان مفهومی است که ژاکس آن را در دو عبارت «آلودگی‌های ناشی از بقا» و «آلودگی‌های ناشی از فراوانی» طبقه‌بندی کرد.سخنان آونور و دیگر سخنان پراکنده و حرکت‌های موضوعی، اگرچه در جای خود به فراخور، نتایج مثبتی داشته‌اند ولی از آن‌رو که تبدیل به یک جریان مستمر نشده و از طریق تشکل‌ها، سازمان‌ها و گروه‌های جهان سوم به صورت پیوسته و نظام‌یافته پی‌گرفته نشده‌اند، هیچ‌گاه به‌عنوان یک جریان پر قدرت سامان پیدا نکرده‌اند.

تشکل‌های مختلف مردمی و دولتی در کشورهای در حال توسعه، اعم از سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های منطقه‌ای و نیز نهادهایی نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان وحدت آفریقا و به‌ویژه جنبش عدم‌تعهد، می‌توانند با نگاهی دوباره به اهداف، برنامه‌ها و ساختار خود، در گستره وسیع توسعه پایدار تحرک و پویایی جدیدی را سامان دهند.

حضور منفردانه کشورهای جهان سوم در مواجهه با تحولات جهانی، به‌خصوص در عرصه شکل‌دهی به «نظام‌نوین جهانی»، نتایج چندان مطلوبی به بار نخواهد آورد و اگر این مسائل چاره‌ای داشته باشند که دارند، همانا در پرتو هماهنگی و تحرک جمعی تحصیل خواهد شد. مساله آن است جنبش عدم تعهد، به دلیل سوابق و تجارب مثبت و منفی گذشته، امکان فوق‌العاده‌ای است که می‌تواند در دامنه مباحث پایداری و توسعه، به صورتی گسترده و تأثیرگذار به کار گرفته شود.

جنبش در شرایط نوین قادر است در دفاع از منافع

